

## لباس و پوشاك تركها، مطابق اسناد بدست آمده كتبي

نویسنده دکتر مراد اوزبني

مترجم محبوبه هریسچیان

ملت ترك قرنهای متمادی در آغوش طبیعت زیسته، در دشتهای بی انتها گله های حیوانات را تربیت کرده جنگ و مبارزه نموده، خلاصه يك زندگی پرتحرک و همراه باخطر داشته آیا در آن اعصار در حیات پر جنب و جوش، برای در امان ماندن از سرما، گرما، باد، باران و برف و تاثیرات آنها و دیگر حوادث طبیعی چه ملزمه هایی بکار برده و چه طرز پوشش ابداع کرده بوده؟

هدف در تحقیقاتی محدود و مختصر، ارزیابی پوشاك ترکان و لوازم اساسی و لباس مناسب با طرز زندگی شان و طی کردن و رسیدنشان به مراحل مختلف در دوخت و دوز آنهاست و این کوششها در محدوده تثبیت پوشش تركها تا قرن پانزدهم، ادامه می یابد

بهمین علت در تحقیقات ما، بررسی و کاوش در کتیبه های اورهون و اویقور، دیوان لغات الترك، قوتاد قوبیلیگ، عتبات الحقایق، و داستانهایی دده قورقود، ملزمه اساسی بوده است بعلاوه با در نظر گرفتن اولویت درغور در آثاری مانند همسایگان شمالی چین تالیف W.Eberhard ورود به تاریخ فرهنگ ترك نوشته بهاء الدین اوگول – تاریخ فرهنگ ترك قبل از اسلام و آغاز دوره اسلامی تالیف Emel Esin فرهنگ ملی ترك اثر Ubrahin Kafes oylu ابراهیم قفس اوغلو، سعی در استفاده از منابع دیگر نیز شده است ما دستاوردهای تحقیقاتی را مطابق فهرست زیر طبقه بندی و ارزیابی خواهیم کرد

کلاهها

لباسها

کفشها و چکمه ها

تکنیک و لوازمی که در تهیه پوشاك بکار می رفته

نتیجه

### کلاهها BAŞLIKLAR

برای انسانهای کوچ نشین ترك محافظت سر از سرما و گرما، باد و دیگر حوادث طبیعی و لطمات و آسیبهای دشمنان لازم و ضروری بوده بعلاوه آنها برای نشان دادن وضعیت و موقعیت اجتماعی به سمبل ها و نشانه هایی نیاز داشتند با این اهداف تركها پوششهای متنوعی برای سرشان بکار می برند که در کاوش منابع در ارتباط با آن با این اسامی برخورد کردیم

### کلاه BAŞLIQ

1) Tasız türkbolmas, börk bolmaz

ترك بدون خادم تات و کلاه بدون سر نمی توان یافت

2) Kuturma

کلاهی که در جلو و عقبش دو بال دارد

3) Sukarlaç börk

کلاه دراز

kıymaç börk

کلاهی که çığiller بر سر می گذاشتند، کلاه سفیدی که از پشم و آنقره بافته می شد

6) kihhiglig

کلاه کنار دار

کلاه در فرهنگ ترك جایگاه مهمی دارد و سمبل آنها محسوب می شود کلاه کناره دارد سه دنده ای مجسمه kul tigin که شبیه تاج است از دیدگاه فرهنگ چین و از دوران هون به این طرف کلاهی دست که در سر خانها و

بیگهای ایل شمال دیده می شود

در تصاویر مربوط به دوران گوک ترکها نیز اکثر کلاه وجود دارد eber hard هنگام معرفی ترکهای قیچاق می نویسد حکمرانانشان A-jl نامیده می شوند بهمین علت هم آنها نام فامیلی A-jl را برای خود بر می گزیده اند A-j در زمستان کلاهی از پوست سمور بر سر می گذارد، و در تابستان روی کلاه دگمه های از طلا دیده می شود نوک کلاه تیز و خمیده است و همه آنهايي که در رده پائین تر قرار دارند کلاهی از نمد سفید بکار می برند پس می بینیم که کلاه بشکلهای مختلف، دراز، خمیده، نوک تیز، کناره دار، بشکل تاج و انواع مختلف دیگر وجود دارد و چنانکه در مثالهای بالا دیدم عنصری در تعیین موقعیتهای اجتماعی افراد می باشد ماده اولیه ساخت کلاه نیز از طبیعتی که محل زیست ترکمان بوده بدست آمده مانند پشم و پوست و غیره

Kedük کلاه پوستی که از زیر کلاه خود بر سر می گذاشتند کلاه خود که هرگز وجودش از سر ملت جنگجوی ترک کم نمی شد ماده اولیه اش برای اینکه به پوست سر آسیب نرساند و برای راحتی بیشتر از موی حیواناتی بود که شکار می کردند

Yalgal duruk باشلیق تکه نمدی که بر پشت لباسی بی آستین از نمد که چوپانان از روی لباس می پوشند برای محفوظ ماندن از باد و باران و غیره دوخته می شود این نمونه ساخت نمد را از صدها سال پیش از سوي ترکها و ملتمان که هموار در آغوش طبیعت می زیسته و مبارزه ها و چاره اندیشی های او را در برابر شرایط نامساعد جوی افاده می کند و از این نظر مهم است اگر kepenek پوشیدن شبانان را مد نظر داشته باشیم می بینیم که yangal duruk همه کلاه مخصوصی بوده که آنان بر سر می گذاشتند

Bütün çük روسری زنانه امروزه نیز در آناتولی معمول است و bürüncek – bürüncük و bürümcek هم نامیده می شود و آشکار است که از فعل bürünmek بمعنی پوشیده شدن مشتق شده است با اطلاعاتی که در دسترس ماست امکان اینکه بگوئیم bürüncek از چه زمانی معمول شده، وجود ندارد اما در منابع می بینیم که در مورد کلاه فرقی بین زن و مرد نبوده است و بهمین علت می توانیم ادعان کنیم که کلاه را هم زن و هم مرد هر دو بکار می بردند و بهر صورت روسری زنانه نه در دوران اخیر با تاثیر اسلام معمول و متداول شده

#### لباسها

ترکها اکثرا کلمه ton/don را در مورد لباس بکار برده و برابر با آن کلمه های kehgdü پوشاک و kedhüt, kadim لباس kedyü و نیز استعمال کرده اند مثال er ton gedhti مردم لباس پوشید

#### Yalng budunug, çıgany budunug bay kıldlm

به مرد لخت لباس پوشانده و انسانهای فقیر را ثروتمند کردم

Ton koy yüngi tap yigüm arpa aş tükel boldıdünyla manya ay kadaş

گوسفند و برای خوراکم اش جو کفایت می کند ای برادر، انتظار دیگری از این دنیا ندارم

#### Yiturse içürse kedürse kedim at üstem kız oğlan bu birse telim

به یاران حرب، باید آب و غذا و پوشاک و لباس بدهد و اسب و برده و کنیزهای زیادی احسان بکند

در کاوشی که در منابع بدست آمده، بعمل آوردیم، در ارتباط با اقسام لباس، اسامی زیر را تثبیت کردیم

yalma – خفتان، خفتان کلفت

#### Yarıkind yalmasında yüzartuk okun urtı

بیشتر از جلوگیری به زره و خفتانش زدند

Kaftan خفتان، گذشته از این که بعضی از لغت نامه ها، این کلمه را فارسی و بعضی ها ترکی می دانند، این

مورد نیز که محمود کاشغری در بسیاری از جاها از خفتان نام برده شایان دقت است Er kaftan yaxımdı

قبل از اینکه دستهایش را در آستینش فرو ببرد دو دگمه ها را ببندد، خفتانش را بروی دوشش انداخت

از این مثال به دگمه و جا دگمه دار بودن خفتان و باز از مثالی در دیوان لغات الترك “ol

kaftan kurşadı” به کمردار بودن آن پی می بریم و دلیل صحت این مدعا نیز نوشته های Eberhard است که

می نویسد جا دگمه لباسهای ترکها در سمت چپ می باشد

در داستان دده قورقود همانگونه که از خفتان قرمزی که در روزهای شادی و سرور می پوشیدند سخن می رود از

هدیه ای هم که عروس بنام خفتان قرمز بلوغ به داماد می دهد، بحث می شود

این مثالها قسمتی از معنی هایی را که خفتان در زندگی اجتماعی ترکها افاده می کرد، نشان می دهد و باز در دده

قورقود از بحث درباره خفتان پشت چاکدار **yırtıklı ardı** پی می بریم که خفتان دارای چاک نیز بوده، ترکها اکثرا به خفتانهایی آستر دار پوشش دار **kapama** می گفتند و کلمه های **kemsel** یا **kemsal** نیز از سوی قرقیزها در مورد خفتانی که آستر پنبه ای درشته بکار برده می شد **Çekrek kapa** خفتان پشمی بدون جیب که برده ها می پوشیدند **içmek** بالاپوشی که از پوست بره دوخته می شد **içük** بالاپوشی که از پوست سمور و غیره دوخته می شد **kulakton** لباس آستین کوتاه **kedhük** بارانی (25) **kepenek** **yaptaç** نوعی بارانی که چوپانها می پوشیدند **çengşü** کت کوچک

می دانیم که خفتان در میان لباسهای ترکها بخصوص لباسهایی که از رو می پوشیدند جای مهمی داشته و آن را از پوست روباه و سمور و بره درست می کردند و لباسهای پشمی بدون جیب **çekrek kappa** اختصاص به برده ها داشته است

و این نشانگر موقعیت و وضعیت این عنصر خفتان در اجتماعات بشری آن روزگار بوده و اگر چه ویژگیهای آن بطور کامل در منابع ذکر نشده باشد از مثالهای بالا پی می بریم که ترکها اکثرا کت کوچک با آستین کوتاه می پوشیدند و بهرحال آنها که زندگی شان را روی اسب می گذراندند حتما دارای شلوار نیز بودند که در ارتباط با آن، با کاوش در منابع کلمه **um** و **yişim** را تثبیت کردیم **Um** شلوار، زیر شلوار

**Yeşim** آنچه که در سرما برای محفوظ ماندن زانوها از سرما می پوشیدند نوعی شلوار گشاد می توانیم بگوئیم که اینها نوعی شلوار بودند که چون ترکها خفتانی بلند روی لباسهایشان برتن می کردند دیده نمی شدند و حالت زیر شلوار می داشتند ولی منابع چینی با دقت زیاد از شلوار چرمی هونها سخن می گویند قازاقها هنگام سیاحت شلوار گشادی بنام **sabrar** می پوشیدند که محرف کلمه فارسی شلوار می باشد در مزار ترکها، مربوط به عصر آهن به شلوارهای تنگ زیاد برخورد کرده اند که گمان می رود اینگونه شلوارها برای پوشیدن چکمه و زانو بند راحت تر و مناسبتر بوده است

بهر حال شلوار را بهر شکل و شمایل که بوده ملتلهای دیگر از ترکها آموخته اند "eber hard" می نویسد لباسهایشان ترکها از پوست و شلوارهایشان از چرم است، چینی ها پوشیدن شلوار را از اینان یاد گرفته اند

پوست برای ترکها راحت ترین ملزمه ای بود که می توانستند در اختیار داشته باشند و بدیهی و طبیعی است که آن را در تمام صفحات زندگی و برای برآوردن نیازهای ضروری شان بکار گیرند گفتیم که ترکها عموماً لفظ **don** یا **ton** را در مورد لباسهایشان بکار می بردند و آن را برنگهای مختلف سفید یا سیاه **akton** و **kara ton** در داستانهای دده قورقود مشاهده می نمایم

**kızlar Ağ otağı koyaban, kara otağa giren kızlar. ağ tonlar çıkarup karalarıgeyen**  
دخترانی که اتاق سفید را گذاشته به اتاق سیاه می روند

دخترانی که پیراهن سفید را در آورده، سیاه ها را می پوشند  
در اینجا می بینیم که ترکها علاوه بر لباسهایی که در روزهای شادیشان می پوشند لباسهای مخصوصی هم برای روزهای غزاداری دارند باز در کتاب دده قورقود

**saklar Günü geldi sasi dinlu kafir başım kesdüreyim senün için egni bak demür donum**  
**dum bu gün için günü geldi(34)**

وقتی که سخن از **demir don** لباس آهنی، می رود روشن است که منظور زره یا نوعی لباس زره دار است **Don** یا لباس که عنصری جدانشدنی از تفکرات و داوریهی و موقعیت ها در زندگی روزانه مان می باشد از دید ترکمان جایگاه مهمی دارد مثال برای کودکی که متولد نشده لباس دوخته نمی شود **Doğmadik çocuğa don biçilmez** که منظور آماده شدن پیش از موعد برای آنچه که هنوز پدیدار نیست و بدست نیامده درست نیست

چکمه و کفشها

قدیمی ترین کلمه ای که برای چکمه بکار برده شده **oguk** می باشد

oguk چکمه این کلمه اکنون نیز در میان ترکهای tobol و قرقیز بصورت uyuk بکار می رود کلمه هایی که هم معنی و معادل کفش اند بخصوص در دیوان لغات الترك بسیار بکار برده شده

چارق çaruk

Edük/Etüik کفش، پاپوش

Büküm Etük پاپوش و کفش زنانه

Izlik چارق دوخته شده از پوست

Mükim کفش زنانه

لوازم دوخت کفش و چکمه پوست و نمد بود، محمود کاشغری هنگام توضیح کلمه oyma می نویسد نمد ترکمنی که در دوخت چکمه بکار می رود

در مثالهای بالا چارق و edük بویژه بمعنی کفش بکار رفته در داستانهای دده قورقود به یک نکته در عبارت “edügünnün koncuna soktu” به ساق کفشش فرورد در اینجا به یک نکته برمی خوریم و متوجه می شویم که edük دارای konç ساق نیز بوده که گویا کوتاه و مانند چکمه بلند نبوده است و نوعی کفش بشمار می رفته کفش ساق کوتاه زیرا هنوز هم در آناتولی کلمه های edük , edik بمعنی کفش بکار می رود ترکها برای محافظت از پاهای خود در برابر تاثیرات طبیعت پرخاشجو و برای راحت تر حرکت کردن مجبور بودند پوششهایی برای آنها اختراع بکنند و بسته به محل و موقعیت از کفشهای بدون ساق یا با ساق یا چکمه استفاده می کردند و تفاوتی که قرنهای پیش بین کفشهای زنانه و مردانه بوده از نظر فرهنگ ترک شایان دقت است

لوازم تکنیک در ارتباط با پوشاک

باید دانست که جدا از اینکه لوازم اصلی پوشاک ترکها، پوست و پشم بوده از پارچه های مختلف نیز در دوخت لباس استفاده می کردند بخصوص که می دانیم پارچه های ابریشمی را از چینی ها می خریدند در دیوان لغات الترك به نمونه های بسیاری، در این مورد برمی خوریم

ay پارچه ابریشمی نارنجی رنگ

barçın پارچه ابریشمی

çit ابریشم چینی با نقشهای رنگارنگ

eşgiti ابریشم و پارچه ابریشم دار

koçaç پارچه چینی ابریشم دار

kez پارچه چینی ابریشم دار

şalaşu نوعی بافته چینی

zürküm نوعی پارچه ابریشم دار چینی

می دانیم که ترکها زمان و موقعیت زندگی مناسب برای پرورش ابریشم نداشتند و طبیعی است که برخی لوازم و وسایل دوخت را از ملل دیگر گرفته باشند مثالهای زیر فرهنگ و تکنیک لباس و دوخت آن را در میان ترکها نشان می دهد

emşen پوست بره که از آن بالاپوش درست می کردند

koyma پوست ، کرک

tügme دگمه

ulağ وصله لباس

kön پوست اسب

oyma نمد ترکمی که در ساخت چکمه بکار می رفت

küpük دوخت درشت و یک در میان – گذاشتن و دوختن یک لایه پنبه میان پارچه

yamamak وصله کردن لباس مثال “o ton yamadi” او لباس را وصله کرد

yigne سوزن

tikmek دوختن مثال “er ton tikdi” مرد لباس دوخت

tikiglik لباس – لباس دوخته

tikdürmek سفارش دوخت لباس دادن

tonluk پارچه لباسی

çikinmek محکم دوختن

tonanmak لبای پوشیدن  
ütük اتو و آن تکه آهنی بشکل ماله بود که گرم کرده و برای خواباندن جای دوخت در لباس روی آن می گذاشتند

yilik جادگمه

tonçı لباس فروش

etükçi کفاش

yüing پشم

çupra لباس کهنه

Kenhindi ton لباسی که زیاد پوشیده می شود

می بینیم که ترکها در ارتباط با لباس و اشیاء و لوازم دوخت و دوز و غیره و فرهنگ آن اصطلاحات و کلمات زیادی دارند ماده اولیه پوشاکشان را پوست و پشم تشکیل می دهد و دقت و توجه آنها به لباس از لوازم دوخت و دوز، دگمه و جا دگمه و انواع دوخت و اتو و غیره معلوم و آشکار است

### نتیجه

بعنوان نتیجه می توانیم بگوئیم پوست و پشم از لوازم ضروری لباس ترکها بوده، علاوه بر آن از پارچه های بافته شده با پنبه و ابریشم نیز استفاده می کردند ولی پوست اساسی ترین و قدیمی ترین آنها بوده است پیشرفت اویقورها در بافت پارچه بعلت تحول در زندگی و ایده نولوژی دینی شان مسلم و محقق است در حالیکه بودایسم انسانها را از کشتن حیوان بهر علتی منع کرده و اوضاع و محل زندگی آنها نیز مشوق شان در استفاده از ابریشم و پنبه و پشم بوده است ترکها که با شکار در دشت و کوه و جنگل و پرورش گله ها و رمه ها روزگار می گذرانیدند ماده اصلی لباس و کلاه و کفش اش را چرم و پوست و پشم تشکیل می داده و پرورش گله ها و رمه ها روزگار می گذرانیدند ماده اصلی لباس و کلاه و کفش شان را چرم و پوست و پشم تشکیل می داده و قانون طبیعت نیز چنین حکم می کند و ترکها این کار را نه تنها برای رفع نیاز که بر پایه راحتی و دقت و ظرافت و سلیقه انجام می دادند دگمه، جادگمه، دوخت منظم دوخت با فاصله یا یک در میان، سوزان، اتو و ... دلیلی قاطع و روشن براین مدعاست همان که امروزه خیاط و کفاش نامیده می شود و ... همه اینها دلیل بر ارج نهادن ترکها به تکنیک دوخت لباس و کفش و برتری آنها بر سایر ملتهاست

نویسنده دکتر مراد اوزبئی

مترجم محبوبه هریسچیان

منابع

محمود کاشغری دیوان الغات تصیح بسیم آتالای

گوکیای اورهان شایبک ددم قورقودون کیتابی

محمود کاشغری دیوان الغات تصیح بسیم آتالای

A.g.e.I

A.g.e.I

A.g.e.I

اسین، انمنل ا دیوان الغات سلامییت ین اؤرنکی تورک کولتورتاریخی وه ایسلاما گیریش، ایستانبول

W.eberhard چینین شیمال قونشولاری مترجم نعمت اولوغتغ آنکارا،

دیوان الغات

دیوان الغات

A.g.e.I

A.g.e.I

انرگین، محرم اورحون آبیده لری، ایستانبول،

یوسف خاص حاجیب قوتادقوبلیگ

A.g.e.I

دیوان الغات

انرگین، محرم اورحون آبیده لری، ایستانبول،

محمود کاشغری دیوان الغات تصیح بسیم آتالای

W.eberhard چینین شیمال قونشولاری مترجم نعمت اولوغتغ آنکارا،  
اؤزگول بهالدین تورک کولتور وه تاریخینه گیریش،  
محمود کاشغری دیوان الغات تصیح بسیم آتالای

A.g.e.I

A.g.e.I

A.g.e.I

A.g.e.I

A.g.e.III

A.g.e.III

A.g.e.III

A.g.e.III

اؤزگول بهالدین تورک کولتور وه تاریخینه گیریش،

<http://www.azsav.com/savlar/204.htm>

AZERSES